تهران
شهر تندیس های کم شمار

مهری حقانی

در خلال روزهایی که مجسمه آزادی در ۲۵۰ تکه جداگانه به آن سوی آبهای آتلانتیک راه می پیمود، ساخت پایه مجسمه، در گیرو دار جمع آوری اعانه در آمریکا به کندی پیش می رفت. ژوزف پلیتزر، در روزنامه اش «the world» دست به ابتکاری ویژه زد و صفحه ای را به نقد دو گروه جامعه آمریکا اختصاص داد. ثروتمندانی که برای ساخت پایه مجسمه ورشکسته شده بودند و طبقه متوسطی که برای جمع آوری اعانه، روی ثروتمندان حساب می کردند. نقد تند پولیتزر در هم آوایی و انگیزش مردم برای کمک به پایان ساخت پایه مجسمه، موفقیت آمیز از کار درآمد. مجسمه ای که امروز در کنار نام آوری و حیات سمبلیک خود به یکی از کاتالوگ های درآمدزای توریستی نیز تبدیل شده. در این ردیف تندیس ۵۲ متری مادر روسیه برفراز ولگوگراد، آمید ا بودا، روح هیوستون و ۱۱ کپی از مجسمه آزادی دیگر نقاط جهان نیز، زیبایی و غرور خاصی به این شهرها بخشیده است. اما زیبایی شناسی شهری و جای خالی هنر تندیس و مجسمه در چیدمان مبلمان شهری ما، شاید به ابتکاری فراتر از این نیازمند است. آرایه ای که نخستین و آشکارترین ویترینی است که از دید زیبایی شناسی شهر «داران» شهر ما حکایت می کند.

مجسمه سازی برای نخستین بار در ایران بعد از گشایش هنرستان کمال الملک به شکل آکادمیک مطرح شد. ابوالحسن صدیقی از نسل اول مجسمه سازها بود که از این هنرستان فارغ التحصیل شد. پس از هنرستان کمال الملک معتبر ترین اماکن که فارغ التحصیل مجسمه سازی داشت، دانشگاه هنر و دانشگاه تهران بودند تعدادی از این فارغ التحصیل ها، مجسمه سازی را ادامه دادند، آنها همان کسانی هستند که پس از انقلاب نسل دوم مجسمه سازی شناخته شدند. اما مجسمه سازی پس از انقلاب با وقفه ای ده ساله روبرو شد.

البته مجسمه سازی پیش تر از این، یعنی از دوره پهلوی ها رونق گرفته بود و درسالهای انقلاب کم کم به اوج خود رسید. پیش از انقلاب، مهندس خرم سرمایه دار معروف، مقداری سنگ تراورتن از ایتالیا وارد کرد تا با آنها مجسمه اعضای خاندان سلطنتی را بسازد. اما فرصت آنکه این سنگها به کار آن مجسمه ها بیایند، پیدا نشد. در این میان مجسمه سازان و هنرمندان این عرصه، سرنوشت متفاوتی پیدا کردند. آثار علی اکبر صنعتی یکی از مجسمه سازان مشهور ایران، همان کسی که در میدان توپخانه موزه ای داشت و کارهای خود را در آنجا به نمایش می گذاشت و به غیر از آن، در جنوب شهر تهران نیز موزه کوچکی داشت که مجسمه ستارخان، باقرخان و بزرگان دیگر ایران را در آنجا به نمایش گذارده بود، دچار سرنوشتی متفاوت تر از دیگران شده زیرا پس از انقلاب، گروهی به این موزه حمله کرده و تمام مجسمه های این هنرمند را شکستند.

البته سالها بعد به او دکترای افتخاری اهدا شد. مجسمه دیگری که سرنوشت مبهمی پیدا کرد، کار بهمن محصص بود. مجسمه «نی زن» در جلوی در ورودی تئاتر شهر قرار داشت و شخصیتی افسانه ای را نشان می داد که در حال نواختن نی بود. آن هم به جای نامعلومی منتقل شد.

مجسمه زن و مرد کشاورز اثر داریوش صنیع زاده در جلوی کاخ کشاورزی که در خیابان بلوار قرار داشت هم سرنوشتی نسبتاً مشابه یافت. این مجسمه زن و مرد کشاورزی را نشان می داد. سرزن روستایی این مجسمه برهنه بود و در پایش هم شلواری دیده نمی شد. اما پیراهنی تا پایین زانوانش را پوشانده بود. پس از آن، دستکاریهای زیادی روی این مجسمه اعمال شد. هم اکنون این مجسمه به انتهای باغ موزه هنرهای معاصر در کنار پارک لاله منتقل شده، جایی که چشم رهگذران کمتر به آن می افتد و از داخل پارک هم پیدا نیست. داستان مورد توجه دیگر، مجسمه فروغی است که در محوطه انجمن آثار ملی قرار داشت، پس از انقلاب سر مجسمه را برداشتند و در عوض سر علامه دهخدا به جای آن گذاشته شد.

مرتضی نعمت اللهی، فضای پس از این ۱۰ سال را چنین شرح می دهد: نسل دوم شروع به کار کردند، نسلی از مجسمه سازهای جوان به وجود آمد. در زمان آقای خاتمی، فضایراي برگزاری فستیوال ها، بی ینال ها و انجمن های هنر فراهم شد. برگزاری بی ینال ها، غنیمتی بود که در توجه مسؤولان و بی بردن به ضرورت مجسمه در فضای شهری، نقش بسیاری داشت. در زمان ریاست جمهوری رفسنجانی، استفاده از دیگران و متخصص مطرح شد و کار مدیریتی اهمیت پیدا کرد.»

در این میان پیوند مجسمه و فضاهای شهری داستان دیگری دارد. در کنار تمام حذف ها و دستکاری ها، شیوه های جدیدی برای آرایش شهری ترتیب داده شد. چنان که فرزانه اسعدی مجسمه ساز می گوید: «مسأله چنان شده که ناگزیریم برای تمام شهرداریها در کشور، جلسات توجیهی بگذاریم تا فلسفه مجسمه و فضای شهری توضیح داده شود. چون، چه در بخش معماری و چه مجسمه سازی، حاضر به تحول فضای در شهرها نیستند. نتیجه آن شده که در میدان ها نخلهای نئون پلاستیک، چراغهای رنگی، چهارپایان و درشکه ها درست کردند. اینها سمبلهای محیط شهری ماست که هیچ جا باب نیست. در بالاترین منطقه شهرداری، نخل پلاستیکی در وسط میدان گذاشته شده. سمبلهای شهری ما عبارت است از قلوه سنگهایی بر سرچهارراهها و پلاکهای زرد برنجی، در حالی که شهردار هر منطقه ای باید دید وسیع جهانی داشته باشد و حداقل نکات مثبت دنیا را در منطقه خودش پیاده کند.

این یک دید روبه جلو نیست و حتی روبه عقب گام بر می دارد. زمانی در موزه دفینه سرمیرداماد، مجسمه های اهدایی دوره های گذشته را گذارده بودند. هنگامی که به موزه سکه تبدیل شد، هیچ جای جداگانه برای آنها درست نکردند، در همه جای دنیا، موزه ها و مجسمه ها را حتی اگر اتفاق وانتصابی هم روی دهد حفظ می کنند اما ما آن مجسمه ها را به زیر زمین ها منتقل کردیم در حالی که تمام آنها کارهای خاص و ارزشمند کشورهای مختلف جهان بود. موقعی که تفکر، تفکر چراغ نئون یانخلهای وسط میادین می شود، ذهن بیشتر از این کار نمی کند. یا یک پسته دهن باز سمبل شهردامغان است. در ورودی شهر دماوند یک دسته گل فایبر گلاس برنگهای تند، سفارش داده شده و برای اینکه باد آن را نبرد. داخلش بتون ریختند. آیا سمبل رودهن سیب و گلابی فایبرگلاس است؟

به همین دلیل هر توریستی که پا به تهران می گذارد، اولین کاری که می کند، این است که بلیت اصفهان یا شیراز را رزرو کند، چون هنرمندان خارجی می گویند در شهر تهران هیچ چیز جز نقاشی نیست.

در این میان شهر اصفهان به همت شهرداران پیشین قرار بود چهره به روزتری در کنار تمام یادگارهای تاریخی و میراث حکومت صفوی و سلجوقی به خود بگیرد. مرتضی نعمت اللهی، مجسمه سازی که خود مقیم اصفهان است، می گوید: «در شهرداری سابق برای ساخت حدود صد مجسمه به عنوان کار هنری در فضای شهری قرار داد بسته شد.

این تعداد مجسمه به استثنای هفت هشت مجسمه که کار ساخت شان در مراحل اجرایی بود نصب شد. باورود شهردار و شورای شهر جدید ۲ مجسمه دچار مشکل شد. یکی کاوه آهنگر که به عملیات ساختمانی برای مترو ربط داده شد و دیگری که معتقد بودند از نظر شکلی و محتوایی مسأله داشت و قبل از شورای شهر مورد اعتراض برخی گروهها بود که از سوی شورای جدید هم مورد اعتراض واقع شد و در نهایت امر دستور توقف ساخت سایر مجسمه ها صادر شد. تمام این کارها باعشق و علاقه بود. برخی با یک سوم قیمت فروخته شد، تنها به این سبب که در فضای شهری نصب شود. در حالی که اگر هنرمند می دانست مجسمه به انبار می رود، اصلاً زیر بار کار نمی رفت.» هرچند شهردار جدید اصفهان، در آغاز بکار خود گفت: هیچ مجسمه ای برداشته نمی شود. اما پس از آن افزود در زمان من هیچ مجسمه ای در شهر اصفهان نصب نخواهد شد. با این حال، هر چند روند نگاه به این هنر با حرکتی کند همراه است اما زمزمه هایی امید بخش نیز به گوش می رسد که شاید نقطه اوج آن برگزاری بی ینال ها باشد. بی ینال هایی که در آنها نخست به جای واژه مجسمه، واژه حجم به کار گرفته شد. یا اینکه در اواخر سال ۷۷، انجمن مجسمه سازان ایران برای اولین بار به ثبت رسید. از آن زمان به بعد به گفته فرزانه اسعدی شهرداری ها و سازمان زیباسازی در صدد برآمدند برای فضای شهری و شناساندن این هنر به مردم سفارش هایی تحت عنوان یک هنر شاخص بگیرند. به عنوان نمونه، قرار شد باغ خانه هنرمندان به باغ مجسمه تبدیل شود.

اتفاق دیگر این بود که نقاشی در فضای شهر خیلی بیشتر از مجسمه سازی جا افتاده بود. جنگ، کار نقاشان را به فضای شهری و دیوارها کشاند. نتیجه این شد که بیشترین چیزی که در فضای شهری با آن مواجه می شویم، نقاشی است. در حالی که نقاشی برای فضای بسته است، ماندگاری ندارد، اما یک حجم و مجسمه اگر با ماتریال قابل قبول اجرا شود، نه تنها سرمایه ای از بین نرفته که به سرمایه جامعه می افزاید. اگر مجسمه های ایتالیا که بیشترین علت جذب توریست است جمع شود، غیر از تعدادی مشخص ساختمان های قدیمی چیز دیگری باقی نمی ماند.»

همین کشور هم اکنون بیشترین و بهترین میزان جذب هنرمندان مجسمه ساز را دارد، چون پی برده که این هنر به سرمایه خاکش می افزاید. گذشته از این، زیباسازی شهری در شهرهای پیشرفته دنیا، قواعد خاصی دارد. همانطور که نعمت اللهی از تجربیات خود می گوید: در کشورهای اروپایی، سازمان ها و نهادهای زیر مجموعه شهرداری ها دست اندرکاران این مسأله هستند. شوراها متناسب با ضرورت کاری تصمیم می گیرند روی هر مسأله کار شناسی می شود. در مورد هر پیشنهاد، کمیسیون شهرداری تصمیم می گیرد که این کار با فضا متناسب بوده و ارزش هنری دارد یا نه. پس از تأیید کمیسیون شهرداری و شورای شهر، شورای شهر، پارلمان کمیسیون مخصوص تشکیل می دهد. در فرانسه یک درصد بودجه باید صرف مجسمه شود. این است که در یک مجتمع فضای سبز، حتماً یک مجسمه وجود دارد. روی هم رفته، مجسمه سازها، کارشناس های شهری و جامعه شناس ها با هم کار می کنند.

آنچه در تمام این سالها، بر این هنر گذشت، از تعطیلی این رشته در دانشگاه هنر هنرهای زیبا تا مهجوری و غربت و سفر هنرمندان و حذف این بخش از آرایش شهری؛ در پشت برخی دلایل به ظاهر موجه بود. اما اگر خداوند زیباست و زیبایی ها را دوست دارد، چگونه مجسمه سازی به عنوان یک هنر می تواند خارج از این معنا باشد. در حقیقت، منع اصلی این هنر و یا موانعی که وجود دارد، به ریشه های عمیق تری بر می گردد. کسانی که برخورد با مجسمه را در دستور خود کار قرار دهند بیشتر از هر چیز از فقدان یا ناآگاهی در خصوص نگرش زیباشناسانه و ذوق و لطافت رنج می برند. گویا هنوز در نخستین مراحل حیات انسانی یعنی رفع صرف نیازهای اولیه به سر می بریم.

در حالی که نبود زیبایی یعنی برهم زدن بعد هارمونیک زندگی. جامعه و شهر بدون هارمونی از فرهنگ کلیدی مدنیت و تمدن سرزنشه ای ندارد. همان چیزی که نعمت اللهی می گوید: فرهنگ در تبادل به وجود می آید. ارائه کار نه تنها سلیقه مخاطب را بالا می برد که انگیزه هنرمند را هم افزایش می دهد. مخاطب بعد از نصب یک مجسمه، به این فکر فرو می رود که کیست و چه بوده. نمونه آن در شهر اصفهان دیده می شود. مخاطب اصفهانی حس زیبایی شناسی قوی دارد، چون در شهری زندگی می کند که پر از آثار باستانی است و همین برخورد دائمی در برداشتن از هنر اثر می گذارد و یک فضای غیر ریتمیک برایش نا آشناست.

در حقیقت، نگاه مدیریت هنری شهرها نباید به شهرها به چشم یک روستای بزرگ نگاه کند. شهرهای ما نه به شهر نشین که به شهروند نیاز مندند و شهر و شهروندی عناصر و قواعد ویژه خود را دارد.

مدیریت چراغ نئون و پلاستیک به کار ابر شهری که پایتخت اولین محل گذر مسافرخارجی است، نمی آید. از این گذشته، جنبه بین المللی آن است. هنگامی که دیدار از موزه Art modern ایتالیا را با مجسمه فردوسی اثر زنده یاد ابوالحسن صدیقی آغاز می کنید، حس غرور درونی و سربلندی ایرانی بودن، در کشور مجسمه ها یک تجربه تکرار نشدنی خواهد بود.

مجسمه فردوسی توسط استاد معماری ایران مرحوم لرزاده ساخته شد

معرفی کتاب و نشریه

مکتوب

«مکتوب» اثر نویسنده توانای برزیلی، اثری است که بسیاری از علاقه مندان به عرفان غربی، آن را حداقل برای یک بار خوانده اند.

اثری مورد توجه که کوئیلو در خلال آن سعی کرده رهنمودهایی در باب عرفان به دست خواننده دهد. ابراهیم غفوری رحیم آبادی، که علاقه خاصی به آثار کوئیلو دارد، کتاب مکتوب این نویسنده را به زبان شعر برگردانده است. این کتاب در نشر ستایش به چاپ رسیده و بابهای ۲۳۰۰ تومان در اختیار علاقه مندان است. شعری از این مجموعه را بخوانید:

نمایشگهی را یکی برفراشت/ که گلدان ساده و با نقش داشت/ زنی شد زبر/ فروشنده را کرد قیمت سؤال/ چنین داد پاسخ همه یک روال/ به او گفت چون در آن تا ببیند اثر/ نگاهش نمودی ز زیر و

یک جدول با دو شرح ۲۹۴۵

جدول روزنامه ایران دارای دو شرح «عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دوشرح ابتدا یکی از شرحها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

افقی:

۱ـ جام آن معروف است! ـ تاریخ عمومی نوشته محمدتقی سپهر
۲ـ میانجی ـ هماهنگ و یکجور
۳ـ لحظه ـ عدد دورقمی ـ درآینده ـ شهری در استان کرمان
۴ـ تاکنون ـ قسمتی ازپا ـ دانه ای شبیه عدس ـ شهر حضرت عبدالعظیم
۵ـ صف و ردیف ـ خوب شدن، تندرستی ـ ماشین نوزاد!
۶ـ واحد طول ـ دیکته ـ ویژگیها
۷ـ عار نافرجام ـ عقیده شمردنی ـ بی پدر ـ تنه درخت
۸ـ سربودن، لیزی ـ کارگاه فراهم ساختن فیلمهای سینمایی
۹ـ نیکش به جای ماند ـ خدای هندو ـ سریر و اریکه ـ وحشی
۱۰ـ عدد بلبلی ـ سازمان فضایی آتازونی ـ لقب اروپایی
۱۱ـ نوعی شعبده ـ ایستاده، در یک جا مانده ـ شیوا
۱۲ـ حرف تعجب ـ نصیب و بهره ـ کوچک و ریز ـ پروانه کسب
۱۳ـ منقار ـ خانه کنار دریا ـ مقابل مزمن ـ چهره
۱۴ـ سیاح ـ پارچه جدا بافته
۱۵ـ زبانگاه معروفی واقع در بالای تپه ای در کنار سفیدرود و ۳۴ کیلومتری رشت با بنایی زیبا ـ خسیس پس نمی دهد.

عمودی:

۱ـ اولین نخست وزیر هند مستقل که سراسر عمر خود را وقف تأمین آزادی برای ملت خود کرد ـ مکان
۲ـ مثل و شبیه ـ شاخه ای از جانوران تک یاخته ای آبزی
۳ـ گمان و پندار ـ مهار شتر ـ کلمه استفهام برای جا و مکان
۴ـ شهرستانی در استان اصفهان که گلابی آن معروف است ـ قطار ـ نخ تابیده ـ نیز
۵ـ حیوان گریزپا ـ اخوی ـ مرکز خوزستان
۶ـ فضای میان دو کوه ـ بخشی از یک واحد نظامی ـ شیشه است و نیز نامی دخترانه
۷ـ هنوز خیس نشده! ـ اجداد ـ کبوتر صحرایی ـ ضربه ای با پا
۸ـ صرفه جویی، اقتصاد ـ فال نیک زدن
۹ـ رود مهمی در آسیا ـ جزیره مثلثی ـ زادگاه ابراهیم ـ آبادی
۱۰ـ آماسیدن ـ فرمان توقف ـ پیاله ای برای سرایندگان
۱۱ـ مجبور شده به کاری ـ دغلکار، لغزش کار ـ از عناصر اربعه
۱۲ـ حرف درد ـ زنده دل وبذله گو ـ خط دایره ـ همیشه و دائم
۱۳ـ مقامها و درجات ـ طریقه و رفتار ـ نوشتن و داخل کردن مطلبی در کتاب یا روزنامه
۱۴ـ گوهر درون صدف ـ آتش گرفتن و مشتعل شدن
۱۵ـ نیمه دیوانه! ـ طبق این اصل اعضای ثابت و متغیر مجمع تشخیص مصلحت نظام را مقام رهبری تعیین می کند.

جدول ویژه

افقی:

۱ـ ضمیر متکلم وحده ـ عنوان منتخبی از یادداشتهای آلفرد دو وینی شاعر و داستان نویس فرانسوی
۲ـ از پادشاهان ستمگر تاریخ ـ کسی که در تیراندازی با کمان زبردست است
۳ـ رود آرام ـ ضمیر مؤدبانه ـ نمونه و مدل ـ به دنیا آوردن
۴ـ سخنوران و نویسندگان ـ بافتن ـ بانگ جانور درنده ـ شرنگ
۵ـ پنیر تازه ـ سابقاً اروپایی را می گفتند ـ از صنایع شعری
۶ـ بدترین نمره برای دانش آموز ـ سرباز نیروی دریایی ـ سخن
۷ـ نت ششم ـ سنگسار کردن ـ بدزبان ـ همیشه و جاویدان
۸ـ کارگردان ایرانی سربازان جمعه ـ نسخه برداری کردن
۹ـ چروک پوست ـ دعای خیر ـ حکم دهنده ـ بوی نامطبوع
۱۰ـ زیارت کننده ـ تباه تر، فاسدتر ـ آرامش قلب
۱۱ـ پستی و فرومایگی ـ آوردن ـ اینگونه هم به معنی گشوده است
۱۲ـ دهن کجی ـ نوعی پارچه نخی نازک سرخ رنگ ـ از اعداد ترتیبی ـ جای پنهان شدن
۱۳ـ لنگه چیزی ـ احصائیه ـ ردیف و طبقه ـ نیمه نگاه
۱۴ـ نوعی طبل بزرگ ـ خودرو
۱۵ـ شیمیدان انگلیسی که به خاطر مطالعاتش در ترکیبات آلی، کانی برنده سهمی از جایزه نوبل ۱۹۷۳ در شیمی شد ـ انتها.

عمودی:

۱ـ از وزرای ایلخانیان مغول که به دست عطا ملک جوینی کشته و پس از پاره پاره شدن، هر عضوی از بدنش به شهری فرستاده شد ـ ستیزه کردن
۲ـ شترمرغ آمریکایی ـ وقفه سیمانی سبک وزنی که در ساختمانها به کار می رود
۳ـ از امراض پوستی ـ از اقوام باستانی ساکن در شبه جزیره یوکاتان ـ مادر باران
۴ـ چه خوب! ـ شگفت آور ـ جراحت صورت ـ حرف ندا
۵ـ کاملتر و تمامتر ـ پایان و عاقبت ـ درخشش
۶ـ زشت و مهیب ـ از بین رفتنی ـ پرنده نیکبختی
۷ـ باران نرم و ریزه ـ مراسم و آیین ها ـ فدراسیون فوتبال اروپا ـ شتر
۸ـ میدانی که در آن نشانه بگذارند برای تیراندازی ـ دریافتن و درک کردن
۹ـ طبق فلزی ـ ایالت آتازونی ـ خونبها ـ ساز شاکی
۱۰ـ دنباله رو عروس ـ قانون مغولی ـ دیروز عرب
۱۱ـ تیرگی خاطر ـ پنهان کردن ـ خاک گور
۱۲ـ مخفف شاد ـ غربال ـ کوبیده و بیخته شده ـ وسط
۱۳ـ پول خارجی ـ شیره چغندر قند ـ سرقلم
۱۴ـ مأمور آردکردن غلات ـ آسایش
۱۵ـ باران اندک ـ حکمران سیاه آذربایجان در عهد فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار.

حل جدول عادی شماره ۲۹۴۴

حل جدول ویژه شماره ۲۹۴۴

جدول ویژه همراه با جوایز ویژه در ایران پیام (نیازمندیهای روزنامه ایران)

انجمن دانش آموختگان دانشگاه تربیت مدرس برگزار می کند:
دوره آمادگی فراگیر پیام نور (دانشگاه بدون کنکور)
کارشناسی - کارشناسی ارشد- دکتری
شماره تماس: ۳۵ تا ۸۰۰۶۶۳۲ داخلی ۳۸۱۸- ۳۲۹۶
۴۶۰۷ ۷/۹۳

آگهی مناقصه عمومی
شرکت عملیات اکتشاف نفت
این شرکت درنظر دارد تعداد ۴ دستگاه GPS دو فرکانسه مدل Zmax/Sereell و ۲۰ دستگاه GPS دستی را از طریق برگزاری مناقصه عمومی خریداری نماید.
لذا از فروشندگان واجد شرایط دعوت می‌شود حد اکثر تا ۴ روز پس از انتشار آگهی برای دریافت اسناد مناقصه به آدرس: تهران -خیابان طالقانی- نرسیده به پل حافظ ساختمان ۱۶۹- اتاق ۱۱۴ امور تدارکات مراجعه نمایند.
هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

دعوت به همکاری
نمایندگی یک شرکت معتبر اروپایی در صنعت تأسیسات افراد زیر را برای همکاری دعوت می نماید:
۱- واحد فروش
دارای لیسانس مهندسی مکانیک، عمران یا مدیریت
فرصت کافی برای انجام سفر و ماموریتهای کاری
آشنایی کافی با زبان انگلیسی و کامپیوتر
حداقل ۳ سال سابقه فروش و یا سرپرستی فروش
۲- واحد پشتیبانی فنی
دارای لیسانس مهندسی مکانیک / عمران
آشنایی به طراحی لوله کشی آب سرد و گرم و سیستم گرمایش کفی
مسلط به زبان انگلیسی /آلمانی
فرصت کافی برای انجام سفر و ماموریتهای کاری
حداقل ۲ سال سابقه کاری
۳- واحد بازاریابی
دارای دیپلم فنی یا دیپلم مرتبط
فعال، خوش برخورد و دارای روابط عمومی قوی
دارای تجربه کاری مرتبط
لطفاً رزومه کاری خود را به نشانی الکترونیکی EPG@FARACO.COM ارسال کرده، یا به شماره تلفن ۸۷۵۰۲۱۳-۰۲۱ فاکس نمایید.